

کار کردن زنان در بیرون خانه از نظر مقررات اسلام

ناگزیریم:

۱- اگر گفتیم بیرون آمدن زن از خانه و شرکت او در برخی از مجامع و بعضی از شغلها و کارها شرعاً مانعی ندارد باین معنی نیست که بهر شکلی و بهر ترتیبی و با هر قیافه و لباسی می تواند در اجتماعات ظاهر گردد. ناگفته پیداست که در عصر حاضر در اکثر ممالک جهان بخصوص در ممالک باصطلاح متمدن و صنعتی، شخصیت زن بطور محسوس پائین آمده و بمنزله عروسکی بی اراده در دست مردان سبکسر و هوسران واقع گردیده است.

زنان بجای اینکه بنحو مؤثری در اجتماع نفوذ کرده، استعدادهای نهفته در ذات خود را آشکار سازند تبدیل بیک وسیله اشباع غیر مشروع غرائز جنسی گردیده اند و محیط کار و فعالیت اجتماع نیز

درمسأله «کار زن در بیرون از خانه» یک سؤال مهم اسلامی مطرح می گردد و عده ی کثیری از خوانندگان نیز از آن پرسش کرده اند و آن اینکه اسلام در این باره چه نظری دارد؟ آیا آن را در هر صورت و مطلقاً جایز می داند یا نه؟

اصولاً برای زن جایز است در اجتماعات و مجامعی که مردان شرکت می کنند شرکت کند یا نه؟ و اگر جایز است چه شرایطی دارد؟

در هر کاروشغلی حتی در قضاوت و سیاست و جهاد و غیر آن نیز می تواند شرکت کند؟ آیا شرعاً میتواند کارگرو فروشنده و راننده و معلم و اداری و ... باشد و دوش بدوش مردان متددی که نه شغلها و کارها گردد؟

قبل از بررسی مسائل بالا

مانده یا از راندمان تحصیل آنان کاسته گردد و یا از مدرسه فراری باشند ، جنایتهای عشتی در اثر رونق بازار سینماها و ... فراوان گردد .

۲ - با ملاحظه ادله موجود اگر گفتیم خروج زن از منزل و شرکت او در برخی مجامع مانعی ندارد این کلام منسقاتی با این ندارد که در مقام مقایسه با فوائد خانوادگی و غیر آن بگوئیم که مقدس - ترین وظیفه زن ، مادری و شوهرداری و اداره امور خانه و تربیت نسل سالمی باشد چنانکه در شماره - های سابق گفتیم که اصولاً زن برای اینکار ساخته شده و احترام جامعه برای زن از این لحاظ می باشد و دخالت در سایر امور مطابق فطرت او نبوده و اکثر شوهران و عقلاء جامعه و دانشمندان ، بآن راضی نیستند .

در تاریخ اسلام و متون اخبار نیز پیاده ای از حوادث برمی خوریم که صحت گفتار بالا را بخوبی روشن می سازد .

در صدر اسلام عده ای از زنان از اینکه مردان در شرکت در امور جامعه آزادی بیشتری داشته ، پست های مهم اجتماع را آنها اشغال کرده بودند و زنان کمتر دخالت در آن داشتند و حتی از بعضیها ممنوع بودند شکایت و گله می کردند .

روزی جمعی از زنان مسلمان اسماء دختر یزید انصاری را بنمایندگی از طرف خودشان خدمت رسول خدا فرستادند تا پیام شکایت آمیز آنان را به پیامبر ابلاغ کند و پاسخ قانع کننده بیاورد . «اسماء» خدمت رسول خدا شرفیاب شده چنین عرضه داشت :

تبدیل بیک محیط آلوده شده ، بدینوسیله زیانهای اقتصادی و اجتماعی و خانوادگی غیر قابل جبرانی ببار آورده است .

احتیاجی نیست که ما در این باره شواهد و آمارهایی از گوشه و کنار دنیا نقل کنیم بلکه یک نگاه سطحی بکوچه و بازار و خیابان و ادارات و مجامع عمومی محیط خودمان بیاندازید که چگونه زنان با قیافه های نقاشی شده و آرایش کرده و با دامن های تنگ و کوتاه مهیج و اندام های هوس انگیز در جلو مردان بنظر و دلربایی مشغول هستند و گویا منظور اصلی آنان از آزادی و خروج از منزل و شرکت در جامعه تنها خودنمایی و دلربایی در مقابل مردان بیگانه می باشد .

اسلام بجهاتی که خواهیم گفت با این وضع که مستلزم انواع مفاسد اجتماعی و خانوادگی و غیر آن می باشد هرگز موافق نبوده جداً از آن منع می کند و آنرا بحال جامعه و زنها مضر می داند و از اینرو در مواردی که شرکت زن در آنها مانعی ندارد تنها باید با حجاب اسلامی بنحوی که منافعی با کار و فعالیت نباشد همراه گردد و از هر گونه تحریک و تهییج مردها بدور بوده در کمال سادگی باشد . در غیر اینصورت شرکت آنها در مجامع بطور جزم ممنوع می باشد .

زیرا اسلام اجازه نمی دهد بنام آزادی زن روح جوانان در اثر بی بند و باری فاسد گردد و زن بنام خلاصی از کنج خانه بسینماها ، کنار دریاها و وحاشیه خیابانها و مجالس شب نشینیها راه یابد و در نتیجه هم خود آنها و هم جوانان از تحصیل باز-

اجرو پاداش می برند و زنان از آن محرومند، در حالیکه چنین نیست، زیرا زنان اگر خوب به امور خانه رسیدگی کنند و شوهر داری کرده محیط خانه را از کدورت و آلودگی پاک نگاهدارند و فرزندان پرورند و تربیت کنند اجر و فضیلتشان بر ابر فضیلت همه کارهای مردان است. (۱)

اسماء: از شنیدن این جملات، بسیار خوشحال گردید و زنان مدینه را نیز از آن آگاه ساخت.

* * *

در قوانین اسلام برای نمونه قانونی دیده نمیشود که زن را محبوس و زندانی در خانه بدارد و از خروج زن از خانه صریحاً منع کند و لزوم پوشش برای زنان (حجاب) در مقابل مردان و عدم اختلاط با آنان هرگز چنین مفهومی ندارد چنانکه بعضی از مخالفین چنین تمبیری از حجاب اسلامی نموده اند و بر اسلام بسختی تاخته اند در حالیکه چنانکه خواهیم گفت حجاب اسلامی نه تنها با عزت و احترام و شخصیت و حقوق مشروع زن بهیچ وجه منافاتی ندارد بلکه اصولاً برای این جعل شده است که احترام و منزلت زن را در جامعه بالا برد و از اختلاط زنان و مردان و آلودگی جامعه بفساد و هرج و مرج جنسی جلوگیری بعمل آورد.

آری در ایران باستان و هندو روم و نزد بعضی از مذاهب مثل یهود و مجوس حجاب چنین مفهومی داشته است بطوریکه گاهی درباره حقوق وی دچار افراطی ترین افکار بوده اند.

پدر و مادرم قربانت، من بنمایندگی از طرف زنان مدینه بسوی شما آمدم تا گلایه آنانرا بشما ابلاغ کنم.

ما زنان اعتراف می کنیم خداوند ترا بر مردان و زنان هر دو مبعوث گردانیده و تو تنها پیامبر مردان نیستی، ما زنان نیز بتو و خدای تو ایمان آوردیم.

ما زنان در خانه های خود نشسته، حواصم مردان را بر می آوریم و فرزندان را در رحم خود می پرورانیم ولی با وجود این ملاحظه می کنیم که کارهای مهم و با ارزش بمردان اختصاص یافته؛ ما از آنها محروم

هستیم زیرا آنان هستند که در نماز جمعه و جماعت بیشتر شرکت دارند و بیشتر بعیادت بیماران میروند و در تشییع جنازه شرکت می کنند و بزیارت خانه خدا مکرر می روند و بالاتر اینکه توفیق جهاد در

راه خدا را دارند و ما از آنها محروم هستیم؛ با اینکه ما در غیاب مردان اموال آنها را محافظت می کنیم و حتی گاهی برای کمک بآنان نخ ریسی می نماییم و فرزندان شان را تربیت می کنیم پس چگونه است که ما در زحمتهای با مردان شریک

هستیم اما در فضیلت کارهای بزرگ و مقدس و با ارزش شرکت نداریم و از آن محروم می باشیم؟

پیامبر پس از استماع سخنان منطقی زنان مدینه رو باصحاب کرده فرمود: «آیا تا حال از زنی کلامی باین رسائی و متانت در امور دینی شنیده اید؟»

سپس رو باسماء کرده فرمود: «سخنان مرا خوب گوش کن و آنرا بزنانی که تو را فرستاده اند برسان. گفتی که مردان بواسطه انجام کارهایی که شمردی

امادراسلام چنین مقرراتی وجود نداشته، چنین زنان تنها از بعضی از عبادات مثل نماز و روزه چند روزی درماه معاف هستند و هم خوابگی با آنها نیز در مدت عیادت بخاطر سلامت مرد و زن و حفظ نسل ممنوع می باشد ولی در سایر امور از نظر معاشرت با دیگران هیچ گونه ممنوعیتی ندارند که مجبور به گوشه نشینی و زندانی بودن ایشان در خانه گردد . و معنی پوشش زن در اسلام اینست که زنان در معاشرت خود با مردان بدن خود را پوشانند و بجلوه گیری و خودنمایی نپردازند و از اختلاط با مردان جلوگیری کرده ، روی مصالحی که مربوط بنسل و حفظ جامعه از فساد و هرج و مرج جنسی می باشد زنان را از مردان جدا کرده است .

هرگز معنی پوشش این نیست که زن نتواند با پدر و برادر و غیر آنها معاشرت بکند و از همدیگر مخفی باشند و حتی جایز نباشد کسی صدای او را بشنود .

(بقیه دارد)

چنانکه «ویل دورانت» در جلد اول تاریخ تمدن (۱) می نویسد : پس از داریوش مقام زن مخصوصاً نزد طبقات ثروتمندان تنزل پیدا کرد ، زنان فقیر که برای کار کردن ناچار از آمدن و شد میان مردم بودند آزادی خود را حفظ کردند ولی در مورد زنان دیگر ، گوشه نشینی زنان در عادت ماهانه که برایشان واجب بود رفته رفته امتداد پیدا کرد و سراسر زندگی اجتماعیشان را فرا گرفت .

زنان طبقات بالای اجتماع ، جرأت آن را نداشتند که جز در تخت روان بپوش دار ، از خانه بیرون بیایند و هرگز بانان اجازه داده نمیشد که آشکارا با مردان آمیزش کنند ، زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی را اگر چه پدر یا برادرشان باشد ببینند !

در آئین مجوس طبق رسوم و مقررات شدیدی که وجود داشت زن در عادت ماهانه در اطاقی مجوس بوده ، همه از او در مدت عادت زنانگی ، دوری می جستند و از معاشرت او پر هیز داشتند و در میان یهودیان نیز چنین مقرراتی درباره چنین زنان اجرامی شده است .

(۱) ص ۵۵۲

زیاد و کم

پیامبر اسلام (ص) میفرماید :
الخير كثير ومن يعمل به قليل :
کار نیک بسیار است اما عمل کننده به آن کم است !